

داوود فیرحی استاد دانشگاه و صاحبنظر در حوزه علوم سیاسی در گذشت

در سوگ اندیشمند نوگرا

گروه سیاسی/کرونا یک چهره دیگر را هم با خود برد؛ داوود فیرحی، استاد دانشگاه تهران. خبر بستری شدن او در بخش آی سی یو بیمارستان لاله و وخامت حالش هفته گذشته منتشر شد، اما نهایتاً دیروز ویروس کرونا کار خودش را کرد. به گفته پزشک معالج فیرحی، این استاد دانشگاه ۸۰ درصد داشت. این خبر بلافاصله بازتاب وسیعی در رسانه ها و شبکه‌های اجتماعی داشته و بسیاری از اتفاق رخ داده ابراز تأسف و ناراحتی کردند.

■ **به دنبال فقه پویا**

فیرحی در طول مدت حضورش در قامت استاد دانشگاه تهران به چند مؤلفه شهرت داشت: درک عمیق از فقه پویا، تسلط به علوم انسانی روز، مثنی دموکراتیک و نهایتاً خوی مسالمت‌جو. مؤلفه‌هایی که دیروز هم در پیام‌های پر تعداد یادبود همکاران، دوستان، دانشجویان و دبیل‌کنندگان مباحث او بازتاب زیادی داشت و بارها مورد تأکید قرار گرفت. او از جمله اندیشمندان منتقد سنت بود که تلاش کرد نگاه مدرنی به دین و سیاست را ترویج کند. از این نظر می‌توان او را در زمره نواندیشان دینی قرار داد. او همزمان که اعتقاد داشت حوزه فقه باید خود را با تحولات روز هماهنگ کرده و تناسی مستقیم و نه با تأخیر با حوزه تحولات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه برقرار کند، تأکید می‌کرد با این نگاه همزیستی بین دین و دموکراسی نیز امری امکان‌پذیر است. در همین چارچوب فکری بود که به اعتقاد فیرحی، فقه و دین نه تنها مغایرتی با حق انتخاب مردم ندارند بلکه با نگاهی دقیق به این حوزه حتی اجازه آن را هم نمی‌دهند و خود می‌توانند در صورت خوانشی صحیح، عامل ممانعت‌کننده از ایجاد محدودیت برای حقوق مسلم افراد باشند. به عبارتی فیرحی شخصاً از باورمندان به نگاه متساهل به دین بود که در مسیر تحقق عملی این نگاه نیز کوشش‌هایی انجام داد. او معتقد بود که برای بهبود شرایط داخلی ایران به جای حاکمان باید به ماهیت حکمرانی توجه شود. او در این زمینه اعتقاد داشت که ماهیت دستگاه دولت در ایران بد ساخته شده است علی‌رغم تحولات مختلف سیاسی از دوران مشروطه تاکنون، اقدام اصلاحی قابل توجهی در قبال این ساخت‌های نامناسب صورت نگرفته.

فیرحی: از حوزه تا دانشگاه

داوود فیرحی در سال ۱۳۴۳ در

شهر زنجان متولد شد. وی علوم دینی را تا پایان مقدمات در مدرسه علمیه این شهرستان گذراند و سپس سطح و خارج فقه و اصول را از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۸۰ در حوزه علمیه قم آموخت. او همزمان با تحصیل در حوزه علمیه قم، در سال ۱۳۶۶ در رشته کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه تهران نیز پذیرفته شد و این رشته را تا مقطع دکترای علوم سیاسی با گرایش اندیشه سیاسی از همین دانشگاه ادامه داد. رساله دکترای داوود فیرحی با عنوان «دانش، قدرت و مشروعیت در اسلام» نگارش شد و توانست در سال ۱۳۷۸ این مقطع تحصیلی را به پایان برساند. این رساله که با الهام از روش شناسی فوکو و هرمنوتیک گادامر تنظیم شده است به بررسی مناسبات قدرت و دانش در دوره میانه اسلام پرداخته و چگونگی زایش دانش سیاسی دوره میانه را کاوش می‌کند. پیش از این دکتر فیرحی در دوره کارشناسی ارشد هم رساله «اندیشه سیاسی شیعه در دوره قاجاریه» را نوشت. این رساله به اندیشه سیاسی فقیهان مشهور شیعه در دوره قاجار اختصاص دارد و کوشش می‌کند مهم‌ترین مکاتب فقهی-سیاسی شیعه را که در دوره قاجاریه بسط یافته و حضور خود را کماکان در تحولات مشروطه (۱۲۸۴/۱۹۰۵) و انقلاب اسلامی (۱۳۵۷/۱۹۷۹) به بعد در ایران، حفظ کرده است، تحقیق کند. وی از سال ۱۳۷۸ عضو هیأت علمی و دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران شد و دروس «اندیشه سیاسی در ایران معاصر» و «اندیشه سیاسی در اسلام معاصر» در دوره دکتری، «فقه سیاسی» و «افکار سیاسی در ایران و اسلام» و «بنیاد گرایی و رادیکالیسم اسلامی معاصر» در دوره کارشناسی ارشد و «نظام سیاسی و دولت در اسلام»، «تاریخ تحول دولت در جهان اسلام» و «مبانی اندیشه‌های سیاسی در اسلام» در دوره کارشناسی را تدریس کرد. راهنمایی رساله‌های متعدد دکتری و کارشناسی ارشد درباره اندیشه سیاسی اسلامی از دیگر فعالیت‌های دکتر فیرحی بود. فیرحی همچنین استاد میهمان دانشگاه مفید در قم و عضو شورای مرکزی مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم بود.

■ **تألیفات فیرحی: یادگاران نگاه او به سیاست و دین**

وی مؤلف ۱۰ کتاب و همچنین دارای حدود ۶۰ مقاله منتشره در مجلات و کنفرانس‌های علمی در حیطه اندیشه سیاسی اسلام می‌باشد. از جمله مهم‌ترین عناوین کتاب‌های به یادگار مانده از داوود فیرحی، عبارتند از «قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام»، «دولت اسلامی و تولیدات فکر دینی»، «نظام سیاسی و دولت در اسلام»، «تاریخ تحول دولت در اسلام»، «دین و دولت در عصر مدرن». یکی از مباحث اصلی در آثار فیرحی فقه سیاسی است. وی در کتاب دو جلدی فقه و سیاست در ایران معاصر می‌کوشد مسأله قانون و ارتباط آن با فقه سیاسی را مورد واکاوی قرار دهد و به نوعی سرنوشت این گفت و گو را در یکصد ساله اخیر بازگو کند. درباره «نظام سیاسی و دولت در اسلام» مباحث مختلفی مطرح شده است. فیرحی در کتاب خود با همین عنوان سعی کرده است در آن مفهوم و ویژگی‌های نظام سیاسی و دولت در اسلام را مورد بررسی و کنکاش قرار دهد. وی در همین زمینه نوشته است: «دولت در جامعه اسلامی همانند دیگر جوامع بشری نه تنها بیابانگر وجود مجموعه‌ای از نهادها است، بلکه حاکی از وجود نگرش‌ها و شیوه‌های خاصی از اعمال و رفتار است که مدنیت اسلامی خوانده شده و در واقع جزئی از تمدن اسلامی محسوب می‌شود. دولت در فرهنگ اسلامی، نه امری تصادفی و اتفاقی است و نه سازمانی انفعالی و بی‌طرف که بتوان نادیده گرفت.» وی همچنین اعتقاد دارد تاکنون مفهوم دولت در اسلام به‌خوبی روشن و مشخص نشده است چراکه بررسی مفهوم دولت در اندیشه‌های اسلامی، یکی از مشکل‌ترین مباحثی است که هرکس به‌طور عمیق بدان بپردازد، از دشواری‌های آن آگاه می‌شود. فیرحی در کتاب نظام سیاسی و دولت در

اسلام تلاش خود را صرف آگاهی یافتن از مفاهیم مختلف دولت از منظر نظریه‌های سیاسی-اسلامی شکل گرفته در مرور زمان می‌کند. دیروز در پی درگذشت این استاد دانشگاه، شخصیت‌های مختلف دانشگاهی، فرهنگی و سیاسی خارج کشورمان درگذشت مرحوم فیرحی را «ضایعه‌ای عظیم و جبران ناپذیر» دانست و نوشت: «تلاش‌ها و زحمات دیرینه این استاد اندیشه سیاسی دانشگاه تهران و عضو مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم در عرصه پژوهش و تحقیق علوم سیاسی کشور در دو خاستگاه دانشگاهی و حوزوی پیوندی عمیق بین این دو نهاد ارزشمند علمی کشور برقرار کرده بود که ثمره آن آموزش و تعلیم صدها استاد و دانشجو و طلبه مشتاق فراگیری و دانش‌اندوزی در ایران عزیز اسلامی بود.»

اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهوری هم در پیام تسلیت خود فقدان فیرحی را «ضایعه‌ای بزرگ برای جامعه علمی کشور» دانست و او را «روحانی نواندیش و وارسته‌ای» توصیف کرد که «عمر پربرکت خود را صرف توسعه علمی کشور و پژوهشگری در حوزه‌های علوم سیاسی و اندیشه سیاسی در اسلام کرد و در این مسیر آثار متعدد علمی نیز از خود به یادگار گذاشت.» سیدمحمد خاتمی رئیس دولت اصلاحات هم در پیام تسلیت خود نوشت: «چه تاب‌سوز و جانفرسا است شنیدن خبر درگذشت عزیز که وجودش ججت موجه بود بر هر سازگاری سنت (اگر دلیری نقد و نه نفی آن را داشته باشیم) و جهان

نوپدید انسان روزگار (اگر بر نقد و نه نفی آن دلیری کنیم)؛ و چه خسارت‌بار است فقدان این بزرگ برای عالم اندیشه و ایمان.

روان‌پاک و تاینک حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر داوود فیرحی در جوار رحمت گسترده الهی آرام گرفت، ولی جان آنان را که انسان را آزاد و عزیز و برخوردار می‌خواهند و می‌دانند و دین خدا را برای فراهم آوردن چنین زندگانی برای انسان می‌فهمند و تفسیر می‌کنند آشوب‌زده و سوزان کرد. او فقیهی بود متبحر و عالمی متمایل و خیراندیشی متخلق به اخلاق الهی و سیاست شناسی نواندیش و انسان‌دوستی بی‌ریا. من این مصیبت بزرگ را به همه اصحاب علم و فقیلّت و همکاران و همراهان و ارادتمندان به او، مخصوص به خاندان شریف فیرحی، به همسر باوقاش و فرزندان خوب و گرانقدرش و همه بستگان عزادار تسلیت می‌گویم و از پیشگاه حضرت کجا می‌رود، از راهی که می‌رود معلوم است رهسپار کجاست. اما فیرحی خود راه بود. باید منتظر می‌ماندی ببینی به کجا می‌رسد.» او در توصیف اندیشه سیاسی فیرحی نوشته است: «فکر می‌کرد جامعه یک چرخ دنده اصلی دارد. وقتی نمی‌چرخد، جامعه را کند است. پیر از بلاهت و سکون و گسیختگی و بی‌اخلاقی. اگر آن چرخ نچرخد، همه گمراه و مبتدل اند.» از دیگر چهره‌هایی که دیروز در فقدان این استاد دانشگاه متفکر سیاسی و مذهبی، پیام‌های تسلیتی صادر کردند می‌توان به مسیح بروجردی، احمد زیدآبادی، محمد قوچانی، محمود صادقی، سیدضیاء مرتضوی، سیدجواد ورعی، فاضل میبیدی، محمدرضا واعظ مهدوی، کاظم قاضی‌زاده، محمدرضا عارف، هادی روش و... اشاره کرد.

■ پنجشنبه ۲۲ آبان ۱۳۹۹

■ سال بیست و ششم

■ شماره ۷۴۸۹

بر این راه مرگ چیرگی ندارد



خسرو طالب‌زاده روزنامه نگار

سخت است باور کردن نبودن داوود فیرحی. چند روز پیش، در ابتدای بیماری تماسی داشتم اظهار خرسندی می‌کرد که مشکل جدی ندارد اما کوبیی کرونا شگردش فریب است و خوب فیرحی را فریفته بود. می‌گویند کرونا از نقطه ضعف آدم‌ها رخنه می‌کند و مهلک می‌شود و فیرحی نقطه ضعفش همین بود مانند یک روستایی بی‌غل و غش و مانند یک متفکر خوشبین و مانند یک متعلق خوش رفتار بود با همه. همین گشودگیش کار دستش داد. با هر آنچه فروبستگی بود ناخوش بود، روحی یا جسمی، فکری یا سیاسی به‌نام سنت یا تجدد. گشودگی اندیشه‌اش مرزهای فکریش را بیکرانه کرده بود اما مرز داشت و بخوبی می‌دانست کیست و کجا ایستاده است. از هر دو سو منتقدش بودند هم سنت گرایان هم متجددان. زیرا فیرحی اندیشیدن را با سوره‌های فکری مبادله نکرد. باور داشت که دارایی‌ها و اندوخته‌های محکم و گرانهایی در مخازن تاریخ فکری ما وجود دارد که گشاده دستانه از آنها غفلت کرده‌ایم و روبه سوی دیار دیگر کرده‌ایم یا بدان آنها چهل ورزیده‌ایم. گشودگی فکریش با خود فروبستگی مشکل داشت از هر نوع و گونه‌ای که بود.

فیرحی هیچ نشانه‌ای از مرگ نداشت، نه در سن و سالش، نه در طراوت اندیشگی اش، نه در امید به آینده و نه در کوشش کم ماندنش. مرگ او یک رخداد پیش‌بینی‌ناپذیر و باورنشدنی است. اما مگر مرگ چیزی جز این است که باورناپذیر است و جایی و زمانی رخ می‌نماید که انتظار نیست. اما مگر فیرحی را در بر گرفت یا فیرحی مرگ را؟ بی شک جسم فیرحی در چنبره مرگ گرفتار شد و نتوانست از این دام جان سالم به‌در برد، اما «فیرحی» بر مرگ چیره شد. فیرحی کاری را که می‌باید می‌کرد، کرد. راهی را گشود که از زرقای تاریخ بخصوص تاریخ معاصر منشأ می‌گرفت و تا امروز جریان و به آینده استمرار دارد. کتابها و آثارش «سخن» تمام بود و «جان کلام». فیرحی در آثارش باقی است که مرگ را بدان رخنه نیست. فیرحی می‌توانست در صدها کتاب و آثار قلمی و کلامی جدید راهی را که رفته بازگوید و به شرح آنها بپردازد و مفسر خودش باشد. اگر حقیقت کلام و سخن فیرحی شنیده شود، طول و عرض، کم و میزان و بسط و شرح آن چیزی را تغییر نمی‌دهد. نه فیرحی از زمره نواندیشان دینی بود که در طول عمرشان مستمراً چهره‌های نو می‌شوند و نه از زمره آنهایی که جای لرزانی ایستاده‌اند که زمان باید قلم غفو و اصلاح برگزشته آنها بکشد. فیرحی جایی ایستاده بود که در فهم عمیق و خرد دقیق کمکش می‌کرد؛ ادب اندیشه. بواقع صفت بارز اوادب و متعلق بودن که در زیست فردی و زیست فکری بدان پایبند و بلکه فطرتش بود. برای خود بودن نمی‌اندیشید و اندیشه‌اش برای خود نبود. برای گشودن از کار فروبسته این دیار بود.

فیرحی ده‌ها سال دیگر هم عمر می‌کرد که‌ای کاش می‌کرد، در مبانی و اصول همین می‌بود که بود. زمان بر فیرحی چیره نمی‌شد زیرا زمانه و اصول می‌شاخت و بلکه ایمانه با او بود. افق فکریش ممتد داشت که در زمان دگرگون نمی‌شد، هر چند ثمرات بیشتر و آثار افزون‌تری داشت و ای کاش می‌داشت. اما فیرحی راهی را که پیموده بود پایانش خودش بود نه راهش. راه او برای هر رنجیده و دردمندی که اندیشه و دین و ایرانیت مسأله باشد، گشوده است و بر این راه مرگ چیرگی ندارد.

اصرار داشت با لباس روحانیت درس بدهد

روز گذشته یکی از اساتید برجسته، میرزو اثرگذار دانشگاه تهران را از دست دادیم. دکتر داوود فیرحی که پرداختن به چرچه مختلف شخصیتش در این چند کلام خلاصه نمی‌شود. با این حال در پرداختن به برخی از آشکارترین ویژگی‌های او باید گفت که در برخورد نخست این منش رفتاری و ادب اخلاقی استاد بود که همه را جذب خود

می‌کرد. به عنوان یک همکار باید بگویم که حتی یکبار ندیدم که این شخصیت مهربان و مؤدب نسبت به کسی کوچک‌ترین بی‌حرمتی کند. به مثل آنچه مرحوم استاد مطهری درباره نوام بودن جاذبه و دافعه در شخصیت‌ها گفته‌اند باید گفت که دکتر فیرحی دافعه‌اش هم با ادب و اخلاق و مسبب جاذبه بود.

وجه دیگر اینکه ایشان یک اندیشمند عمیق بود که سعی می‌کرد در پرداختن به چیستی، چرایی و چگونگی یک موضوع از اندیشه‌های متعدد و متنوع بهره بگیرد. هر گونه جزم‌اندیشی از ساحت اندیشه او به دور بود. فیرحی از معدود چهره‌های روحانی بود که به کمال بود با اندیشه غرب آشنایی داشت و اگر چه فردی مطلع و مدافع نسبت به اصول و اندیشه اسلامی بود اما در تألیفات خود به بهترین وجه از اندیشه‌های متفکران علوم سیاسی غرب استفاده می‌کرد.

او یک اندیشمند سیاسی صرف نبود. بلکه نسبت به اصلاح جامعه و نظام سیاسی و حل مشکلات سیاسی کشور برخورد فعالانه و مسئولانه داشت و تلاوان آن را نیز می‌پرداخت. فراموش نمی‌کنیم که در سال ۸۸ توسط گروه سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران به مدیریت انتخاب شد، اما متأسفانه مسئولان وقت دانشگاه تهران از تأیید صلاحیت و صدور حکم مدیریت گروهی ایشان امتناع کردند.

می‌خواهم بگویم که استاد فیرحی یک اندیشمند منزوی نبود. برعکس در صحنه حضور داشت و همواره به فکر مردم، اصحاب کشور و مشروعیت هویت دینی بود. دکتر فیرحی بر اساس تسلطی که بر تاریخ، اندیشه و فلسفه سیاسی دین اسلام داشت در سال‌های اخیر نسبت به مسائل سیاسی جامعه با حساسیت برخورد می‌کرد و سعی داشت در مواجهه با انحرافات که به نام دین در حوزه سیاست مشاهده می‌کرد آنچه لازم است را با جامعه در میان بگذارد و از ساحت دین دفاع کند. همچنان او سعی می‌کرد که در لباس دین مشکلات جامعه را طرح کند. در اوج فشارهایی که در سه دهه گذشته در فضا‌های دانشگاهی علیه روحانیون روشنفکر وجود داشت و سبب شد برخی روحانیون اندیشمند ناچار به درآوردن لباس روحانیت شوند، ایشان اصرار داشت که با لباس روحانیت در دانشگاه درس بدهد و از حرمت دین محافظت کند. استاد فیرحی با اخلاق مهربانانه و شیوه تدریس بسیار خوب خود توانسته بود کلاس‌های بسیار پرثمر و مفیدی را ارائه دهد. او تنها نوبسنده‌ای معتبر نبود، بلکه معلمی بسیار زبردست بود که دانشجویان دانشده‌ای به شدت از کلاس‌هایش استفاده می‌کردند. تا آنجا که اگر او کلاس اختیاری برگزار می‌کرد دانشجویان آن کلاس را حتی بیش از دروس اصلی شان پیگیری می‌کردند. ایشان فرد بسیار پرکاری بود. به این دلیل در همین عمر کوتاه آثار متعددی در حوزه اندیشه سیاسی ایران معاصر از خود برجای گذاشت. هر چند به باور من متأسفانه همین کار زیاد موجب بدد که جسم شان به پیری زودرس دچار باشد و به سادگی تسلیم بیماری شود. همه ما از فقدان او متأسفیم. اما استاد فیرحی تا جایی که فرصت عمر اجازه داد ثمره خودش را داد. این رسم تاریخ همه جوامع است که نتخبگان پیشرو هستند و تنها اما بعدها اثر بخشی خواهند داشت و ان‌شاءالله جامعه هم نیز در آینده از نظرات ایشان بهره‌مند باشد.

۱ یادداشت

۲ یادداشت



رجیم ابوالحسنی استاد دانشگاه تهران

چه پرواز زودهنگامی



حمیدرضا جوانمردی استاد دانشگاه

با اندوه فراوان شاهد درگذشت غیرمنتظره دکتر داوود فیّرچی، روحانی نواندیش و استاد اندیشه سیاسی دانشگاه تهران، بودیم. دریغ! دریغ!

او هم اهل دانش و تفکر بود و هم یک پژوهشگر اخلاقی در حوزه عمومی بود. برنامه پژوهشی او که ۳۰ سال در راهش تلاش کرد «آشتی عقلانی بین دانش فقه و علم سیاست» او مطلقاً توانایی علمی و حرفه‌ای‌اش را برای خود و خانواده‌اش دکان نکرد و آزاده و سبکبال زیست. افسوس که او در اوج باروری فکری از میان ما ناگهان پرکنشید. درگذشت نابهنگام و جانکاه او را به خانواده معززش و همه اهالی فرهنگ و اندیشه تسلیت عرض می‌کنم.

در رئای دوست از دست رفته‌ام



احمد تقی‌ب‌زاده استاد دانشگاه

برای من سخت و دردناک است که بخواهم در سوگ فیرحی سخن بگویم. آنها را برای خودم می‌گذارم و او را چنانکه شناختم به شما معرفی می‌کنم. از نظر اخلاقی مردی وارسته، خوش خلق و اهل مدارا بود و چنان با مردم

سلوک می‌کرد که انسان از یک روحانی به معنای دقیق کلمه انتظار دارد. یکبار پدیدم که غیبت کند یا بد کسی را بخواهد. از تعصب به دور بود و نسبت به اساتیدی که در دوره دانشجویی با آنها درس داشت بسیار متواضع و فروتن بود. امکان نداشت در جلوی آنها راه برود. از نظر علمی بسیار توانا بود و مفاهیم کلیدی را به درستی درک می‌کرد.

روحش شاد و یادش گرامی

۳ یادداشت



سیدعلیرضا حسینی‌بهشتی استاد علوم سیاسی

نه آگاهی‌ات به اینکه مرگ پایان مرحله‌ای از حیات ماست که همه ما لاجرم از آن عبور خواهیم کرد، نه اینکه می‌دانی این روزها بسیاری از هموطنان و هموعنات به سفری بی‌بازگشت می‌روند، نه وقوف به اینکه در سن و سالی هستی که کنای که می‌شناختی و می‌شناختند تو را جا می‌گذارند و می‌روند، هیچ یک به هنگام شنیدن خبر درگذشت عزیزتی از عزیزانت تسلی‌ات نمی‌بخشد؛ این غم، کوبی همیشه زنده است. در هراسی از سرکشی به گویی همراهت که مبادا درگذشت دوستی یا خویشی دیگر را باخبر شوی، سر در کتاب می‌کنی و چشمانت را به تماشای طبیعت زیبای خزان نوازش می‌دهی تا خوبی‌هاست و فقدان‌هایی جبران ناشدنی برجای می‌گذارد. بیش از این نمی‌توانم بنویسم. گاه، گاه سکوت است. گرچه از آتش دل چون خم می‌در جوشم/ مهر بر لب زده خون می‌خورم و خاموشم.

فقدان حجت‌الاسلام دکتر داوود فیرحی، این شخصیت علمی و روحانی برجسته را به همسر و فرزندان تسلیت می‌گویم و از خدای مهربان برای روان آن سفرکرده آرامش و برای همه بازماندگان، دانشجویانش، همکارانش و جامعه علمی ایران، بویژه اهالی علم سیاست، بردباری و شکبایی خواهیم.